



The effect of teaching the concepts of the choice theory on marital attitude in marring people according to attachment style

Zahra Hosseini, Ph.D student

counselling, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University of Tehran, Iran

Azizolah TajicEsmaili. PH.D

Associated Professor Department of Consultation, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University of Tehran, Iran

Farshad MohsenZadeh. PH.D

Associated Professor Department of Consultation, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University of Tehran, Iran

اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج در افراد در شرف ازدواج با توجه به سبک‌های دلبستگی

زهره حسینی

دانشجوی دکتری مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران،

عزیزاله تاجیک‌اسماعیلی*

استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران،

فرشاد محسن‌زاده

استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران،

Abstract

The aim of this study was to explore the effectiveness of training the choice theory's concepts on attitudes toward marriage of those people who intended to get married, according their attachment styles. This applicable study was a quasi-experimental design with application of pre and posttest with control group. The population included all people who intended to get married and lived in Esfahan in 1396. 78 participants were selected via convenience sampling method then were divided into the three groups according their attachment styles; secure (n=30), avoidant (n=24) and anxious (n=24); after completion and scoring the Adult Attachment style Questionnaire (Hazan & Shaver, 1995). They were randomly placed into the experimental and control groups. They were asked to complete Marital Attitude Scale (MAS, Braaten & Rosen, 1998). Experimental groups received six 2_hours choice theory training sessions with Sahebi's Educational concepts. Finally all six groups received posttest. Results of multivariate covariance showed significant differences between experimental and control groups' scores among avoidant and anxious style samples in pessimistic and optimistic dimensions, respectively (P=0/05). That is; training choice theory's concepts could significantly reduce pessimistic attitude of avoidant and increase optimistic attitude of anxious sample.

Keyword: The Choice Theory, Attitude toward marriage, Attachment style, Premarital

چکیده

هدف پژوهش بررسی اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر نگرش به ازدواج در افراد در شرف ازدواج با توجه به سبک دلبستگی بود. پژوهش کاربردی به صورت نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل همه افراد در شرف ازدواج شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۷۸ نفر از این افراد انتخاب و با تکمیل و نمره‌گذاری پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (Hazan & Shaver, 1995)، به سه گروه مختلف دلبستگی (ایمن ۳۰ نفر، اجتنابی ۲۴ نفر و اضطرابی ۲۴ نفر) تقسیم‌بندی شدند؛ سپس به صورت تصادفی در گروه‌های کنترل و آزمایش قرار گرفته و مقیاس نگرش به ازدواج بریتن و روزن (Braaten & Rosén, 1998) را تکمیل کردند. گروه‌های آزمایش در ۶ جلسه دوساعته در معرض آموزش مفاهیم تئوری انتخاب با استفاده از مفاهیم تئوری انتخاب آموزش داده شده توسط دکتر صاحبی قرار گرفتند؛ اما گروه‌های کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. سپس از هر شش گروه پس‌آزمون به عمل آمد. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد تفاوت معناداری (P=۰/۰۵) بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در سبک اجتنابی در بعد بدبینانه و اضطرابی در بعد خوش‌بینانه وجود داشت؛ بنابراین آموزش مفاهیم تئوری انتخاب در کاهش نگرش بدبینانه افراد اجتنابی و افزایش نگرش خوش‌بینانه افراد اضطرابی تأثیر معناداری داشته است.

کلیدواژه: تئوری انتخاب، نگرش به ازدواج، سبک دلبستگی پیش از ازدواج

مقدمه

آن‌ها را نیز تغییر داد. از سوی دیگر با آگاهی از نگرش افراد می‌توان رفتار آن‌ها را پیش‌بینی نمود و بر رفتار آن‌ها کنترل داشت (Karimi, 2000). نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باور فرد در مورد ازدواج (Brateen & Rosen, 1998). است که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و سازه نسبتاً پایداری است (Trent & South, 1992). همچنین یک مکانیسم کلیدی برای پیش‌بینی رفتار واقعی در ازدواج (Thornton, 1991) و یکی از بهترین شاخص‌های عملکرد در روابط عاشقانه است (Steinberg, Davila & Fincham, 2006) که در بررسی‌های اجتماعی شامل چندین زیرمجموعه است. یک زیرمجموعه به طور مستقیم در مورد تعریف ازدواج و سپس اعتقادات اصلی درباره اینکه همسران در ازدواج چگونه باید با هم رفتار نمایند، نکاتی را بیان می‌کند. این نگرش‌ها، باورها را در مورد مزیت ازدواج، انتظارات پایدار و ویژگی‌های جنسیتی و وفاداری جنسی پوشش می‌دهد (Treass, Lui & Gubernskaya, 2014). ارزیابی صحیح و شناسایی درست نگرش به ازدواج، یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مطالعاتی است که هدف آن‌ها پیش‌بینی و شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زناشویی است (Nilforoshan, Navidin & Abedi, 2014, Holman, 2001). بر پایه شواهد موجود، نگرش‌های غیرمنطقی تخریبگر غیرواقعی را می‌توان در ادبیات مربوط به ازدواج نیز یافت (Sgrin & Nabi, 2002). (Amoto & Rogers, 1999) در تحقیقات خود نشان دادند که نگرش به ازدواج و طلاق، پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی زناشویی است. افرادی که نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج مثبت‌تر و نسبت به طلاق منفی‌تر است، کیفیت زندگی زناشویی خود را در طول زمان بهبود می‌بخشند. شواهد (Show & lum, 2008) در تحقیق خود با نام روند «نگرش‌های خانواده و ارزش‌ها در هنگ‌کنگ» با استفاده از ۵ گروه متمرکز به این نتیجه رسیدند که جنس و مکان جغرافیایی با نگرش به ازدواج در رابطه است. نتایج پژوهش (Tahmasbi, 2018) نشان داد آن است که انتظار واقع‌بینانه در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به صورت معناداری افزایش یافته است. (Ashteh, 2015) در تحقیق خود با عنوان «پیش‌بینی نگرش به ازدواج

ازدواج رابطه‌ای ارادی و آگاهانه بوده و به عنوان انتخاب آگاهانه همسر معنا می‌شود (Harweys, 2009) و به جای آنکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی دو نظام جافتاده خانوادگی و تکوین یک خرده‌نظام در داخل هریک از آن‌هاست. هریک از همسران از خانواده خویش مجموعه‌ای از قواعد و یا انتظارات را درباره روابط زناشویی و خانوادگی کسب کرده است که باید به خاطر برخورداری از یک زندگی مشترک، در این الگوهای شخصی با یکدیگر کنار بیایند (Goldenberg & Goldenberg, 2010).

مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که همچون هر مشکل نافذ و فراگیر دیگری، تنها یک علت برای طلاق وجود ندارد ولی یکی از عوامل نابودی رضایت زناشویی، وارد شدن به ازدواج با نگرش‌ها و دیدگاه‌های غیرمنطقی است. نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر و احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوعات اجتماعی و یا قدری وسیع‌تر هرگونه حادثه‌ای که در محیط و موقعیت فرد رخ دهد. (Lambert et al. 1964 & Azrabayejani et al. 2002)

نگرش‌ها سازه‌هایی مقاوم به تغییرند (Banaji & Heiphetz, 2010) که در اثر تعامل با والدین و در طولانی‌مدت شکل گرفته‌اند (Willoughby, Carroll, Vitas & Hill, 2011; Moats, 2004; Larson, Benson & Wilson, 1998; Show & Lum, 2008; Miles & Servaty-Seib, 2010).

Cherlin, Burton, Hurt & Purvin, 2004 معتقد بودند که سه متغیر در یادگیری و ایجاد نگرش‌های جدید دخالت دارد: توجه، ادراک و پذیرش. نظریه محرک- پاسخ بیش از همه نظریه‌ها به این نکته اهمیت داده است که نگرش، زمانی تغییر می‌کند که تقویت‌های ارائه‌شده برای نشان دادن رفتار یا نگرش جدید، بیش از تقویت‌های موجود در پاسخ قدیمی باشد. بخشی از اهمیت نگرش به این دلیل است که صاحب‌نظران، مطالعه نگرش را برای درک رفتار اجتماعی حیاتی می‌دانند و بخش دیگر اهمیت آن ناشی از آن است که نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتارند و این فرض به صورت ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر نگرش افراد، می‌توان رفتار

برای انتخاب شریک زندگی تأثیرگذار باشد (AfshariNia, 2015). مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی، توانایی پیش‌بینی نگرش به ازدواج را داشته و از مؤلفه‌های مؤثر و مرتبط با نگرش به ازدواجند (Ashteh, 2015).

یکی از اصول اساسی دلبستگی در دسترس بودن و پاسخگو بودن افراد قابل اعتماد است که منجر به سازگاری اجتماعی و عاطفی بالاتری در هر رده سنی می‌گردد (Johnson & Whiffen, 2010). سبک‌های دلبستگی می‌تواند در تصمیم‌گیری افراد برای انتخاب شریک زندگی تأثیرگذار باشد (AfshariNia, 2015). مدل‌های دلبستگی با طرح‌واره‌های شناختی قدیمی یا عقاید افراد در مورد خود و دیگران ارتباط نزدیک دارند و بر تعاملات بین فردی اثر گذاشته و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. واقعیات دلبستگی بدین شکل خلق می‌شوند که افراد چگونه با دیگران تعامل برقرار کرده و چگونه این سبک‌های تعاملی را درک کرده و خود را با آن‌ها هماهنگ می‌سازند (Johnson & Whiffen, 2010).

دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و تعهد، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تر از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است. از نظر Harter, 1998 (Shaver & Cassidy, 1999) و Miller, 1996) اعتماد به خود و دیگران و انتظارات واقع‌بینانه از خود و دیگران، از ویژگی‌های سبک دلبستگی ایمن است و سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا، دارای ویژگی‌های بی‌اعتمادی به خود و دیگران و انتظارات غیرواقع‌بینانه از خودند (Besharat, JoshanLo & MirZamani, 2008). افراد اجتنابی بیش از افراد دوسوگرا به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می‌دهند و به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند (Feeney & Noller, 1990) و بیشتر احتمال دارد که احساسات و نگرش مثبتی را در مورد ازدواج بیان کنند (Simpson, 1990) و Lazinski, 2016). افراد اجتنابی بیمناک نسبت به خود و دیگران دیدگاهی منفی دارند؛ تمایل به نزدیکی به دیگران دارند ولی از رفتن به سوی دیگران و جستجوی محبت و

از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی در دانشجویان مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه» به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی، توانایی پیش‌بینی نگرش به ازدواج را داشته و از مؤلفه‌های مؤثر و مرتبط با نگرش به ازدواجند. بازبینی ادبیات مشاوره پیش از ازدواج نشان می‌دهد که یکی از راه‌های تغییر یا کاهش نگرش‌های ناکارآمد درباره ازدواج، برنامه‌های پیش از ازدواج است که اثر معناداری بر تغییر نگرش افراد دارد (Knutson & Olson, 2003). نتایج فراتحلیل (Carroll & Doherty, 2003) که بر روی ۱۳ مطالعه انجام شد و به بررسی اثربخشی برنامه‌های پیشگیری پیش از ازدواج پرداخت، نشان داد که میانگین میزان تأثیر برنامه‌های پیش از ازدواج از نتایج این تحقیقات ۰/۸۰ است؛ بدین معنا که شرکت‌کنندگان در این برنامه‌های آموزشی به طور قابل توجهی بهتر از ۰/۷۹ از افرادی که در این برنامه‌ها شرکت نمی‌کنند، تمایل بیشتری به تجربه موفقیت‌آمیز ازدواج خواهند داشت. هرچند (Johnson, 2009) در تحقیق خود با عنوان «اثر آموزش ارتباط بر خوش‌بینی نسبت به رابطه و نگرش نسبت به ازدواج» به این نتیجه رسید که برنامه‌های آموزشی ارتباط، باعث خوش‌بینی ارتباطی نمی‌شود. این نتایج از این استدلال حمایت می‌کند که نگرش‌ها ثابت بوده و در طول زمان تغییر نمی‌کند.

یکی از عواملی که پس از انتخاب همسر، می‌تواند بر عملکرد وظایف رشدی مربوط به زندگی زناشویی تأثیر بگذارد، تحکیم و نگهداری از روابط زن و شوهر است که با «فرایند دلبستگی» مدیریت می‌شود (Mikolincer & Shaver, 2007). پیشینه ادبیات مرتبط با سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، به شدت از اهمیت دلبستگی ایمن برای بهبود عملکرد بین فردی حمایت می‌کند (Kamenov, 2007). اهمیت سبک‌های دلبستگی به عنوان یک ویژگی شخصیتی و یکی از عوامل پیش‌بینی موفقیت زندگی مشترک نباید نادیده گرفته شود. این مفهوم در بین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی یک عامل مهم و بنیادی به شمار می‌رود (Nori & Jan-Bozorgi, 2012). سبک‌های دلبستگی می‌تواند در تصمیم‌گیری افراد

طلاق عاطفی» نشان داد افراد با سبک دلبستگی ناایمن، به علت عدم اعتماد به برقراری رابطه با دیگران در پیش‌بینی طلاق عاطفی سهیمند.

رویکردهای مختلف روان‌شناسی، پدیده ازدواج و انتخاب همسر را از زاویه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند (Beheshtian, 2017); یکی از این رویکردها که کمتر در زمینه پیش از ازدواج مورد توجه قرار گرفته، تئوری انتخاب است. این تئوری اعلام داشته است که انسان، خود، سرنوشت خود را انتخاب می‌کند (Corey, 2012). به نظر گلاسر مبدع این نظریه، هسته اصلی تئوری انتخاب چیزهایی است که فرد انتخاب می‌کند؛ می‌تواند بیاموزد که انتخاب‌های بهتری نیز داشته باشد و افراد به عنوان انتخاب‌کننده‌های اهداف خود، مسئول شیوه ساخت جهان خود در نظر گرفته می‌شوند (Corey, 2012). همچنین این تئوری یاد می‌دهد که چرا گاهی دست به انتخاب‌های رنج‌آور یا جنون‌آمیز می‌زنیم و چگونه می‌توانیم انتخاب‌های مؤثرتری کنیم. داشتن کنترل درونی مؤثر بدین معناست که انتخاب‌های بهتری برای روابط با دیگران و رسیدن به خواسته‌های خود داشته باشیم. فرد برای ارضای نیازهای خود دست به رفتار می‌زند و چنانچه برای ارضای نیازهایش روش مؤثری پیدا نکند، دست به رفتارهای ناکارآمد و نامؤثری می‌زند (Glasser, 2013). بخش مهم تئوری انتخاب، آموختن این مسأله به افراد است که درباره نیازهایشان و نحوه ارضای آنها به شکل مؤثرتری عمل کنند (Glasser, 2013; Wubbolding, 2000). Corey, 2012 انسان تا اندازه مشخصی بر زندگی‌اش کنترل دارد و هرچه این کنترل بهتر به عمل درآید، فرد راضی‌تر خواهد بود (Corey, 2012). اگر افراد راه درست ارضای نیازهایشان را نیاموزند، در زندگی دچار درد و رنج فراوان خواهند شد. این کار را هرچه زودتر و در سنین پایین‌تر و به شیوه مؤثرتر بیاموزند، زندگی رضایت‌بخش‌تر و با خشنودی بیشتری همراه خواهد بود (Glasser, 2013).

از منظر تئوری انتخاب نگرش‌ها، ایده‌ها و یا نظام باورها که بر بخش بزرگی از رفتار انسان‌ها حاکمند، یکی از مقوله‌های دنیای مطلوب افرادند که بیشترین اهمیت را برای فرد دارد (Glasser, 2013). دنیای مطلوب حاوی تصاویری

صمیمت هراس دارند؛ زیرا همیشه در وحشت از طرد شدن از سوی دیگران به سر می‌برند؛ خود را لایق عشق و عاطفه دیگران نمی‌دانند و در ارتباطات بین فردی انتظار دارند تا دیگران از آنها فاصله گرفته یا حتی آنها را طرد کنند؛ ولی افراد اجتنابی بی‌تفاوت، به خود نگرش مثبت داشته و به دیگران نگرش منفی دارند. آنها نه می‌خواهند و نه احساس می‌کنند که به صمیمت با دیگران نیاز دارند و به طور کلی از کسب حمایت عاطفی و آرامش از دیگران اجتناب می‌ورزند (Johnson & Whiffen, 2010).

در سوی دیگر افراد اضطرابی مطمئن نیستند که مورد عشق و علاقه دیگرانند؛ اطمینان ندارند که ارزش عشق ورزیدن دارند و شاید مورد حمایت دیگرانند. این افراد با وجود داشتن نگرش مثبت نسبت به دیگران، نسبت به خود نگرش منفی‌ای دارند؛ به دنبال نزدیکی و توجه دیگرانند و حتی ممکن است در ارتباطات نزدیک حالت چسبندگی و مزاحمت داشته باشند. با این وجود آنها عموماً احساس می‌کنند که برای دیگران بیش از خودشان ارزش قائلند. در آنها این احتمال وجود دارد که نظام دلبستگی‌شان به طور مکرر و در دوره‌های طولانی مدت فعال شده که این امر موجب احساس تهدید حتی در مواجهه با حوادثی شود که برای سایر افراد بزرگسال به طور طبیعی تهدید تلقی نمی‌شود و در مورد در دسترس بودن و پاسخگو بودن همسرشان به شدت حالت گوش‌به‌زنگی و آمادگی پیدا کنند (Johnson & Whiffen, 2010). وجود بحران‌ها و اختلافات خانوادگی والدین، تحمیل ازدواج یا ارائه تصویر منفی از ازدواج و طرح ازدواج‌های ناموفق توسط آنها موجب هراس افراد از ازدواج شده است (Niazi, Shterian, Shafae-Moghadam, 2016). شواهد پژوهشی متعددی بارها سبک دلبستگی را مورد آزمون قرار داده است. تحقیق (Carole & Pistole, 1989) در مورد تأثیر سبک دلبستگی بزرگسالان در رابطه با حل اختلاف و رضایت رابطه‌شان در سبکهای دلبستگی، نشان از اختلاف معنادار میان این سه گروه در هر دو متغیر حل تعارض و رضایت از رابطه دارد. نتایج تحقیق (PourMarzDashti, 2017) با عنوان «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی و نگرش به عشق با

شناخت‌های افراد، کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند و هرگونه تغییری بدون داشتن زیرساخت‌های فکری محکم دوامی نخواهد داشت.

مرکز ملی پژوهش‌های ازدواج سالم بیان می‌کند که آمادگی پیش از ازدواج می‌تواند راهبرد سازنده‌ای در کاهش طلاق و حمایت از ازدواج باشد. عدم آمادگی افراد برای ازدواج و نگرش‌ها و باورهای اشتباه عواملی‌اند که باید در آموزش پیش از ازدواج شناسایی شوند زیرا آمادگی کافی پیش از ازدواج به طور مثبت نه تنها بر ازدواج، چه بسا بر انسان‌ها نسل‌های آینده نیز تأثیر خواهد داشت (Poley, 2011). علاوه بر این چنانچه به افراد با سبک‌های نایمن آموزش داده شود که به دنبال کسب حمایت به شیوه سازگارانه‌تر و مسئولانه‌تری بروند و به آنها کمک شود تا علائم دلبستگی نایمن و تحریف شده‌شان را به رفتارهایی که پاسخهای مورد علاقه‌شان را به دنبال دارد تبدیل کنند، آنها می‌توانند شرایطی را خلق کنند که نیازهای دلبستگی‌شان بهتر درک شده و احساس امنیتی را که در جستجوی آند فراهم کنند (Johnson & Whiffen, 2010). همه این اشارات و توجهات نشان‌دهنده اهمیت این مسأله است که آموزش پیش از ازدواج می‌تواند در کاهش و اصلاح نگرشها و باورهای غیر منطقی در بین افراد در شرف ازدواج با سبک‌های دلبستگی نایمن تأثیر داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به این مسائل و اینکه جستجوی منابع علمی نشان از این دارد که در سطح جهانی و نیز در ایران پژوهش‌های اندکی درباره بررسی تأثیر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر نگرش به ازدواج در سبک‌های دلبستگی مختلف انجام شده است و نیز به دلیل اهمیت انتخاب همسر، این پژوهش درصدد است تا تغییرات ایجادشده بر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد در شرف ازدواج با سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، در اثر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب را مورد بررسی قرار دهد. بدیهی است در صورت تأیید شدن اثربخشی این روش در کاهش و یا تغییر نگرش ناکارآمد به ازدواج، افق روشن‌تری در زمینه ازدواج، چه برای متخصصان و چه برای افراد در شرف ازدواج و انتخاب همسر بازخواهد کرد.

فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

است از آنچه فرد می‌خواهد که در صورت دستیابی به آن‌ها احساس بهتری را تجربه می‌کند (sahebi & SoltaniFar, 2016).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که مشاوره با تأکید بر تئوری انتخاب، بر بهبود نگرش به خیانت زوجین ناسازگار شهر اهواز تأثیر مثبتی داشته است (Karimi, 2000).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که مشاوره با تأکید بر تئوری انتخاب، بر بهبود نگرش به خیانت زوجین ناسازگار شهر اهواز تأثیر مثبتی داشته است (Karimi, 2000). (shoaeKazemi & JafariHarandi, 2010) نیز در تحقیق خود نگرش دانشجویان متأهل و مجرد نسبت به ازدواج را از دیدگاه تئوری انتخاب و واقعیت درمانی مورد بررسی قرار دادند که نتایج نشان داد بین دانشجویان مجرد و متأهل از نظر خرده‌مقیاسهای واقعیت، درست و نادرست و مسئولیت تفاوت معناداری وجود ندارد؛ ولی بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر مجرد تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش (Hoseini Ghafari et al. 2009) نیز نشان داد مفاهیم تئوری انتخاب و روش انگیزشی نظام‌مند به یک میزان در افزایش رضایت زناشویی تأثیر دارند.

تحقیقات متعدد دیگری (Irvine, 2015; Nantz, 2015; Mottern, 2008; Sohrobi, 2008; Camp & Ganon, 1997; HashemiNejad, 2017; Raeesi, 2017; AhmadNia, 2015; Nasri, 2016; Karimi, 2016) نشان از این دارد که آموزش مفاهیم تئوری انتخاب و واقعیت درمانی، باعث افزایش توانایی در انتخاب‌های بهتر و مؤثرتر برای ایجاد ارتباط با دیگران در جهت برآورده‌سازی نیازهای اساسی اولیه و ارتقای کنترل درونی و به دنبال آن، رضایت از زندگی و خشنودی و افزایش سلامت روان می‌گردد.

از آنجا که یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق ازدواج جوانان، نگرش آنان نسبت به ازدواج است (AzadFalah et al. 2008) و همچنین نگرش فرد مجرد نسبت به ازدواج، تعیین‌کننده ارزش‌ها و ملاک‌های انتخاب او در این زمینه است؛ بنابراین تا حد زیادی می‌تواند یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده زندگی موفق و به تبع آن رضایت زناشویی باشد (Rajabi, 2007). (Nori & Jan-Bozorgi, 2012). نقطه آغازین و در عین حال مهم حل مشکل ازدواج و یکی از راهبردهای کاهش سن ازدواج را ایجاد تغییر در تفکر و شناخت جوانان دانست و بیان کرد که تغییر نگرش‌ها و

ایمن، پنج ماده مربوط به دلبستگی اجتنابی، پنج ماده مربوط به دلبستگی اضطرابی (دوسوگرا) است. (Hazan & Shaver, 1987) پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را $0/81$ و پایایی با آلفای کرونباخ را $0/78$ گزارش نموده‌اند. (Collins & Read, 1990) پایایی آن را با آلفای کرونباخ $0/79$ به دست آورده‌اند. بررسی روایی هم‌زمان فرم هنجاریابی شده این پرسشنامه در ایران توسط (RahimianBogar, 2004) رابطه مثبت و معناداری را نشان داده است. وی اعتبار آلفای کرونباخ آن را $0/75$ به دست آورد که اعتبار مطلوبی است. اعتبار آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه به ترتیب سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برابر $0/77$ ، $0/81$ و $0/83$ و برای کل مقیاس $0/75$ به دست آمد. اعتبار محتوایی و صوری این پرسشنامه با سنجش ضرایب همبستگی بین نمرات پنج نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب همبستگی از $0/77$ برای سبک دلبستگی ایمن تا $0/83$ ، از $0/67$ برای سبک دلبستگی اجتنابی تا $0/80$ و از $0/69$ تا $0/87$ برای سبک دلبستگی دوسوگرا به دست آمد. ضریب همبستگی پیاپی بازآزمایی بین نمرات آزمودنی‌ها ($N=40$) با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $0/94$ محاسبه گردید (RahimianBoger, 2007؛ RahimianBoger, 2004). میزان آلفای کرونباخ این ابزار در این پژوهش برای کل مقیاس $0/744$ گزارش گردید. از جمله سؤالات این پرسشنامه عبارت است از: برایم مشکل است که به دیگران دلبسته شوم.

مقیاس نگرش به ازدواج **Marital Attitude Scale**:

مقیاس نگرش به ازدواج را (Beateen & Rosen, 1998) ساخته است. این مقیاس شامل ۲۳ گزاره با مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است که نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌سنجد. در تحلیل عاملی اکتشافی، مقدار آزمون کروییت بارتلت برابر $917/03$ به دست آمده است که در سطح $0/01 < P$ معنادار بوده است و ضریب KMO برای این تحلیل نیز برابر $0/698$ به دست آمده است. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی چهار عامل به ارزش بزرگتر از یک استخراج گردید که نگرش بدبینانه، نگرش خوش‌بینانه، نگرش ایده‌آل‌گرایانه و نگرش واقع‌بینانه به ازدواج مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در تعیین روایی همگرایی، مقیاس نگرش به ازدواج،

فرضیه ۱: آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد با سبک دلبستگی ایمن اثر دارد.

فرضیه ۲: آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد با سبک دلبستگی اجتنابی اثر دارد.

فرضیه ۳: آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد با سبک دلبستگی اضطرابی اثر دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: بر اساس ماهیت پژوهش، طرح کلی از نظر هدف کاربردی بوده و روش پژوهش از نوع مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری همه افراد در شرف ازدواج شهر اصفهان بودند که از اردیبهشت تا تیرماه ۱۳۹۶ به فراخوان داده‌شده برای پژوهش پاسخ دادند. حجم نمونه شامل ۷۸ نفر از مشارکت‌کنندگان بود که با روش در دسترس انتخاب شدند. برای تکمیل و هم‌تاسازی گروه‌ها چندین مرتبه فراخوان داده شد تا گروه‌ها از نظر تعداد افراد در سبک دلبستگی یکسان و جنسیت هم‌تاسازی شوند؛ هرچند از نظر سن هم‌تاسازی صورت نگرفت. ملاکهای ورود به جلسات آموزش شامل دختران و پسران در شرف ازدواج، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم بوده است.

ابزارهای سنجش

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی **Adult Attachment Inventory**: پرسشنامه سبک دلبستگی (Hazan & Shaver, 1995) دارای ۱۵ پرسش بوده و در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای (هرگز تا تقریباً همیشه) پاسخ داده می‌شود (هرگز، نمره ۵) و تقریباً همیشه، نمره ۴) چهار). از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا گزینه‌ای را انتخاب کنند که سبک ویژه آنها را در روابط نزدیک بهتر توصیف کند. نمره خرده‌مقیاس دلبستگی با محاسبه میانگین پنج پرسش هر خرده‌مقیاس به دست می‌آید. پنج ماده پرسش‌نامه مربوط به سبک دلبستگی

۱۲ نفر) تقسیم‌بندی شده و به صورت تصادفی در گروه‌های کنترل و آزمایش قرار گرفتند. سپس در پیش‌آزمون همه گروه‌ها به پرسشنامه نگرش به ازدواج پاسخ دادند. گروه‌های آزمایش به مدت شش جلسه دوساعته در هر هفته در معرض آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر اساس مفاهیم کتاب تئوری انتخاب ویلیام گلاسر و مطالب آموزش داده شده توسط دکتر علی صاحبی (عضو هیأت مدیره مؤسسه تئوری انتخاب و واقعیت‌درمانی دکتر ویلیام گلاسر) قرار داده شدند؛ اما روی گروه‌های کنترل هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. خلاصه جلسات در جدول ۱ آمده است. در ادامه نمرات پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS 20 مورد بررسی قرار گرفتند. آزمون‌های توصیفی برای بررسی جمعیت‌شناختی و آزمون لوین، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون لامبدا ویلکز و آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. در پایان اجرای طرح، مجدداً از آزمودنی‌های هر شش گروه پس‌آزمون به عمل آمد.

همبستگی نمرات آن با نمرات مقیاس انتظار ازدواج محاسبه گردید. ضریب روابی به دست آمده در سطح کمتر از $P < 0/001$ معنادار بوده است و بین این دو مقیاس در کل $0/43$ همبستگی وجود داشته است. ضریب پایایی مقیاس نگرش به ازدواج به روش آلفای کرونباخ $0/77$ و با روش بازآزمایی $0/91$ به دست آمده است (Nilforoshan, Navidin & Abedi, 2014). میزان آلفای کرونباخ این ابزار در این پژوهش $0/885$ گزارش گردید. یک نمونه از سؤالات این مقیاس عبارت است از: زیاد مطمئن نیستم که ازدواجم موفق باشد.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از انتخاب آزمودنی‌ها به صورت در دسترس، پرسشنامه سبک دلبستگی (Hazan & Shaver, 1995) توسط آنها تکمیل و سپس نمره‌گذاری شد. در ادامه با توجه به سبک دلبستگی به سه گروه دلبستگی ایمن (گروه آزمایش ۱۶ نفر و گروه کنترل ۱۴ نفر)، اضطرابی (گروه آزمایش و کنترل هریک ۱۲ نفر) و اجتنابی (گروه آزمایش و کنترل هر کدام

جدول ۱ خلاصه جلسات آموزش مفاهیم تئوری انتخاب

جلسه	عنوان جلسه	اهداف و فرایند آموزش در طول جلسات
اول	آشنایی و ارتباط اولیه	انجام پیش‌آزمون. برقراری ارتباط اولیه، آشنایی اعضای گروه با هم و با مشاور، بیان اهداف پژوهش و روش کار، گروه بندی و تعیین جلسات، توضیح در مورد مطالب مورد بحث، آغاز آشنایی با تئوری انتخاب، آشنایی اولیه با مفاهیم آن،
دوم	آشنایی با مفهوم نیازهای پنجگانه	آشنایی با مفهوم نیازهای پنجگانه بقا و امنیت، نیاز به عشق و تعلق خاطر، نیاز به آزادی و استقلال، نیاز به قدرت و احساس ارزشمندی و نیاز به تفریح، بررسی تفاوت افراد در این نیازها، تأثیر تفاوت این نیازها در ارتباطات و روابط عاشقانه و تعارض نیازها، بررسی شخصیت‌های ناهمگون بر اساس نیمرخ نیازها، معرفی شخصیت‌های مشکل‌دار بر اساس نیازها،
سوم	آشنایی با مفهوم دنیای مطلوب	معرفی دنیای مطلوب، بررسی تصاویر دنیای مطلوب افراد، بررسی سیستم انگیزشی افراد بر اساس دنیای مطلوب هر فرد، بررسی سیستم حسی و ادراکی افراد، بررسی سیستم ادراکی متفاوت افراد
چهارم	آشنایی با مفهوم کنترل درونی و بیرونی	آموزش کنترل بیرونی و درونی، معرفی باورهای کنترل بیرونی، آموزش نقش کنترل بیرونی در ایجاد تعارض بین افراد، چگونگی افزایش کنترل درونی برای کاهش تعارضات
پنجم	آشنایی با مفهوم رفتار و رفتارهای مؤثر و نامؤثر	آموزش رفتار و ماشین رفتار بر اساس تئوری انتخاب، آموزش رفتار مؤثر و نامؤثر از منظر تئوری انتخاب (مانند خشم، افسردگی و ...)، آموزش رفتارهای پیوندساز و رفتارهای تخریب‌کننده
ششم	آشنایی با مفهوم مسئولیت‌پذیری و جمع‌بندی و اختتام جلسات	آموزش مفاهیم مسئولیت‌پذیری و تأثیر آن در انتخاب‌های افراد، انجام پس‌آزمون از شرکت‌کنندگان و اختتام جلسات.

یافته‌ها

تعداد افراد گروه آزمایش و کنترل با توجه به سبک دلبستگی و جنسیت هم‌تاسازی شدند. افراد گروه آزمایش در سبک دلبستگی ایمن شامل ۱۶ نفر (۸ نفر زن و ۸ نفر مرد) و افراد گروه کنترل سبک دلبستگی ایمن شامل ۱۴ نفر (۷ نفر زن و ۷ نفر مرد) بودند. افراد گروه‌های آزمایش و کنترل سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی هر کدام شامل ۱۲ نفر (۶ نفر زن و ۶ نفر مرد) در هر گروه بودند. حداقل سن شرکت‌کنندگان ۲۰ و حداکثر ۴۳ و تحصیلات از دیپلم تا دکتری تخصصی متفاوت بود.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد نگرش به ازدواج در سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی در گروه‌های آزمایش و کنترل

ابعاد متغیر نگرش به ازدواج	گروه	دلبستگی ایمن		دلبستگی اجتنابی		دلبستگی اضطرابی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش بدبینانه	آزمایش	۲۱/۱۳	۲/۹۶۴	۱۴/۴۲	۵/۲۸۲	۱۸/۶۸	۲/۶۴۰
	کنترل	۲۱/۷۹	۳/۷۲۵	۱۹/۵۸	۱/۸۳۲	۱۹/۳۳	۴/۰۹۷
نگرش خوش‌بینانه	آزمایش	۱۸/۴۴	۱/۹۹۹	۱۸/۲۵	۱/۶۰۳	۱۹/۰۸	۲/۵۰۳
	کنترل	۱۸/۷۹	۱/۲۵۱	۱۸/۲۵	۳/۵۱۹	۱۷/۲۵	۲/۴۵۴
نگرش واقع‌بینانه	آزمایش	۱۸/۸۷	۱/۹۹۶	۱۷/۴۲	۲/۲۳۴	۱۸/۸۳	۲/۹۴۹
	کنترل	۱۹/۲۱	۲/۸۶۰	۱۴/۸۳	۴/۷۸۳	۱۷/۰۰	۲/۳۳۵
نگرش ایده‌آل‌گرایانه	آزمایش	۹/۳۸	۱/۴۰۸	۸/۷۵	۰/۹۶۵	۸/۹۲	۱/۰۸۴
	کنترل	۸/۵۰	۰/۸۵۵	۸/۷۵	۱/۴۸۵	۹/۰۰	۰/۷۳۹

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار ابعاد متغیر نگرش به ازدواج را در سه سبک دلبستگی در گروه‌های آزمایش و کنترل مورد مقایسه قرار داده است.

جدول شماره ۳ نتایج آزمونی همسانی واریانس‌ها و آزمون نرمال بودن توزیع نمرات کولموگراف-اسمیرنوف

سبک دلبستگی	ابعاد نگرش به ازدواج	لوین		کولموگراف-اسمیرنوف	
		آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری
ایمن	بدبینانه	۲/۱۶۳	۰/۱۵۳	۰/۶۰۸	۰/۸۵۳
	خوش‌بینانه	۳/۳۷۷	۰/۰۷۷	۱/۰۳۹	۰/۲۳۱
	واقع‌بینانه	۰/۸۱۶	۰/۳۷۴	۰/۷۰۹	۰/۶۹۶
	ایده‌آل‌گرایانه	۳/۰۲۱	۰/۰۹۳	۱/۱۳۸	۰/۱۵۰
اجتنابی	بدبینانه	۰/۰۲۷	۰/۸۷۱	۰/۳۸۴	۰/۹۹۸
	خوش‌بینانه	۰/۲۷۵	۰/۶۰۵	۱/۴۸۳	۰/۰۲۵
	واقع‌بینانه	۰/۵۰۸	۰/۴۸۳	۰/۸۸۴	۰/۴۱۵
	ایده‌آل‌گرایانه	۱/۸۶۸	۰/۱۸۶	۱/۱۲۷	۰/۱۵۷
اضطرابی	بدبینانه	۰/۰۴۸	۰/۸۲۸	۰/۶۵۸	۰/۷۷۹
	خوش‌بینانه	۰/۱۸۷	۰/۲۸۸	۰/۷۹۹	۰/۵۴۶
	واقع‌بینانه	۰/۰۰۳	۰/۹۵۸	۰/۵۲۴	۱/۱۱۸
	ایده‌آل‌گرایانه	۵/۳۸۶	۰/۰۳۰	۰/۹۴۶	۰/۱۶۴

در ادامه براساس جدول ۳ نتایج خروجی آماره‌های مربوط به آزمونهای لوین و کولموگراف-اسمیرنوف برای بررسی همگنی واریانس‌ها و نرمال بودن توزیع نمرات، نشان می‌دهد که مقادیر P از ۰/۰۵ بزرگتر بوده؛ بنابراین واریانس‌ها همگن بوده و داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کند. با توجه به تأیید شدن این پیش‌فرض‌ها، انجام آزمون تحلیل

کوواریانس بدون مانع است. اطلاعات جدول شماره ۴ آزمون لامبدای ویلکز (Wilks' Lambda) وجود تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل سبک دلبستگی اجتنابی ($P < 0/05$)، اضطرابی ($F = 4/149$) و اجتنابی ($F = 4/093$) در ابعاد نگرش به ازدواج را نشان می‌دهد.

جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره آزمون لامبدای ویلکز

سبک دلبستگی	اثر	آزمون	ارزش	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
ایمن	گروه	لامبدای ویلکز	۰/۱۵۰	۰/۷۴۹	۰/۵۷۲	۰/۱۵۰	۰/۱۹۳
اجتنابی	گروه	لامبدای ویلکز	۰/۶۰۱	۴/۱۴۹	۰/۰۲۷	۰/۶۰۱	۰/۷۵۷
اضطرابی	گروه	لامبدای ویلکز	۰/۵۹۸	۴/۰۹۳	۰/۰۲۹	۰/۵۹۸	۰/۷۵۱

جدول ۵ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره بررسی تأثیر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج افراد با سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی

سبک دلبستگی	منبع تغییرات	متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
ایمن	گروه	نگرش بدبینانه	۴/۰۸۱	۱	۱/۰۸۳	۰/۳۰۸	۰/۰۴۳	۰/۱۷۰
		نگرش خوش‌بینانه	۱/۶۰۹	۱	۰/۷۲۶	۰/۴۰۳	۰/۰۲۹	۰/۱۳۰
		نگرش واقع‌بینانه	۰/۲۲۶	۱	۰/۰۷۰	۰/۷۹۳	۰/۰۰۳	۰/۰۵۷
اجتنابی	گروه	نگرش ایده‌آل‌گرایانه	۴/۰۶۴	۱	۳/۰۱۲	۰/۰۹۵	۰/۱۱۲	۰/۳۸۵
		نگرش بدبینانه	۹۵/۵۷۲	۱	۱۷/۶۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۹۵	۰/۹۷۸
		نگرش خوش‌بینانه	۴/۵۵۰	۱	۱/۲۵۸	۰/۲۷۷	۰/۰۶۵	۰/۱۸۶
اضطرابی	گروه	نگرش واقع‌بینانه	۶/۲۹۷	۱	۱/۸۴۵	۰/۱۹۱	۰/۰۹۳	۰/۲۵۱
		نگرش ایده‌آل‌گرایانه	۰/۰۱۹	۱	۰/۰۱۳	۰/۹۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱
		نگرش بدبینانه	۹/۵۵۰	۱	۲/۱۶۴	۰/۱۵۶	۰/۱۰۷	۰/۲۸۶
اضطرابی	گروه	نگرش خوش‌بینانه	۱۴/۲۵۱	۱	۲/۷۴۰	۰/۰۳۶	۰/۳۱۹	۰/۵۱۶
		نگرش واقع‌بینانه	۶/۹۸۳	۱	۳/۰۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۴۳	۰/۳۷۵
		نگرش ایده‌آل‌گرایانه	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵۰

با توجه به اطلاعات جدول ۵ بین میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل سبک دلبستگی ایمن تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش رد می‌گردد.

بین میانگین نمرات در گروه آزمایش تفاوت معناداری با گروه کنترل، در سبک دلبستگی اجتنابی در بعد نگرش بدبینانه ($F = 17/671$ ، $P < 0/05$) با توان

آزمون ۰/۹۷۸ مشاهده شد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد. بین میانگین نمرات در گروه آزمایش تفاوت معناداری با گروه کنترل در سبک دلبستگی اضطرابی در بعد نگرش خوش‌بینانه ($F=۲/۷۴۰$ ، $P < ۰/۰۵$) با توان آزمون ۰/۵۱۶ مشاهده می‌شود؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج افراد اجتنابی و اضطرابی تأثیر معناداری داشته؛ ولی در تغییر ابعاد نگرش به ازدواج افراد ایمن تأثیر معناداری نداشته است.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر کاهش بعد نگرش بدبینانه افراد با سبک دلبستگی اجتنابی تأثیر دارد. به صورت همسو با این نتایج، نتایج تحقیق (Nasri, 2017) نشان داد آموزش گروهی مبتنی بر تئوری انتخاب بر کاهش ملاک‌های بدبینانه در دانشجویان دختر مجرد مؤثر بوده است؛ ولی به صورت ناهمسو نشان داد بیشترین اثر برای کاهش ملاک‌های واقع‌بینانه و کمترین اثر بر تفکیک ملاک‌های خوش‌بینانه بوده است. همچنین به صورت همسو نتایج پژوهش (ShaefiZadeh, 2017) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج، بر نگرش بدبینانه به ازدواج تأثیر معناداری داشته است. به صورت ناهمسو نتایج پژوهش (Vakili et al. 2015) نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی با نگرش به ازدواج رابطه معناداری وجود ندارد.

در تبیین تغییر نگرش بدبینانه افراد با سبک دلبستگی اجتنابی می‌توان به ایجاد تغییر در رفتارهای دلبستگی اشاره نمود. آن‌ها آموخته‌اند برای اینکه احساس امنیت نسبی کنند، باید شدیداً به خود متکی باشند و حتی هنگامی که این چنین حمایت‌هایی برای بقا و بالندگی‌شان ضروری باشد، آشکارا و مستقیم حمایتی را از طرف مقابل طلب نکنند (Johnson & Whiffen, 2010)؛ بنابراین تغییر در نگرش بدبینانه را می‌توان ناشی از سطحی از تغییر در پاسخ‌های رفتاری در نظر گرفت. برخی از این تغییرات در پاسخ‌های رفتاری عبارتند از بازتر شدن و همدل شدن، اصلاح شیوه‌های تنظیم هیجان، تغییر در روابط خاص و تغییر در مدل‌های شناختی خود و دیگران؛ بنابراین تغییرات دلبستگی می‌تواند هم در سطوح مختلف و در بافت‌های خاص با شرکای ویژه و هم در بافتی کلی‌تر با سطوح عمومی‌تر رخ دهد. خلق تجربیات عاطفی اجباری در

پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج افراد در شرف ازدواج با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی انجام شد. با توجه به نتایج جدول ۵، نتیجه پژوهش نشان داد که آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد با سبک دلبستگی ایمن اثری ندارد. در پژوهش‌های خارجی و داخلی هیچ تحقیقی درباره اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب در تعامل با سبک‌های دلبستگی بر نگرش به ازدواج یافته نشد. به صورت همسو (Niakan, 2015) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر نگرش به ازدواج دانشجویان در شرف ازدواج تأثیر معناداری نداشته است؛ ولی به صورت ناهمسو با این نتایج، (Saber, 2014) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر نگرش نسبت به ازدواج مؤثر بوده است. نتایج پژوهش (Vakili et al. 2015) نشان داد که سهم دلبستگی ایمن در نگرش کلی به ازدواج بیشتر از سایر سبک‌های دلبستگی است. (Gharekhani, 2017) نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با انتظار از ازدواج واقع‌بینانه و بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسویه‌گرا با انتظار از ازدواج بدبینانه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در تبیین عدم تغییر تمام ابعاد نگرش به ازدواج در افراد ایمن می‌توان گفت این افراد احساس خودکفایتی بالا داشته

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج افراد در شرف ازدواج با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی انجام شد. با توجه به نتایج جدول ۵، نتیجه پژوهش نشان داد که آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر تغییر ابعاد نگرش به ازدواج (نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه) افراد با سبک دلبستگی ایمن اثری ندارد. در پژوهش‌های خارجی و داخلی هیچ تحقیقی درباره اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب در تعامل با سبک‌های دلبستگی بر نگرش به ازدواج یافته نشد. به صورت همسو (Niakan, 2015) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر نگرش به ازدواج دانشجویان در شرف ازدواج تأثیر معناداری نداشته است؛ ولی به صورت ناهمسو با این نتایج، (Saber, 2014) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر نگرش نسبت به ازدواج مؤثر بوده است. نتایج پژوهش (Vakili et al. 2015) نشان داد که سهم دلبستگی ایمن در نگرش کلی به ازدواج بیشتر از سایر سبک‌های دلبستگی است. (Gharekhani, 2017) نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با انتظار از ازدواج واقع‌بینانه و بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسویه‌گرا با انتظار از ازدواج بدبینانه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در تبیین عدم تغییر تمام ابعاد نگرش به ازدواج در افراد ایمن می‌توان گفت این افراد احساس خودکفایتی بالا داشته

او تجربیات به ظاهر مطلوب و خوشایند عشق، نزدیکی و صمیمیت را به خاطر می‌آورد، مفاهیم منفی و خطرات مربوط به صدمات گذشته و آسیب‌های دلبستگی به طور ذهنی و خودآگاه و یا ناخودآگاه فعال خواهد شد؛ در نتیجه نگرش بدبینانه آنها به ازدواج تغییر چندانی نکرده است؛ ولی نگرش خوش‌بینانه آنها افزایش یافته است که احتمالاً اینگونه تبیین می‌شود که از آنجا که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، تمایل بسیاری به بودن با انسان‌های دیگر داشته و نیز دارای بالاترین سطح نیاز به تماس و رفتارهای عاشقانه و دوستانه (نیاز به عشق و تعلق خاطر) و گرفتن حمایت (نیاز به قدرت و احساس ارزشمندی) هستند، در اثر آموزه‌های تئوری انتخاب و آشنایی با نیازها و چگونگی برآورده‌سازی نیازها و تأثیر مثبت مطلوب دریافت حمایت و امنیت در روابط، نگرش مثبت‌تری به ازدواج پیدا کرده‌اند.

به صورت کلی نتایج جدول ۵ نشان داد که تئوری انتخاب جز بر کاهش نگرش بدبینانه افراد اجتنابی و افزایش نگرش خوش‌بینانه افراد اضطرابی در سایر ابعاد در این دو سبک و تمام ابعاد در سبک ایمن تأثیر معناداری نداشته است. در تبیین این مسأله می‌توان گفت با توجه به مقاوم بودن نگرش نسبت به تغییر و لزوم درگیر شدن سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در تغییر نگرش و همچنین سه متغیر توجه، ادراک و پذیرش در یادگیری و ایجاد نگرش‌های جدید، احتمالاً آموزش مفاهیم تئوری انتخاب، به این دلیل نتوانسته باعث تغییر نگرش در تمام ابعاد افراد در شرف ازدواج تأثیر معناداری داشته باشد که اولاً از منظر تئوری انتخاب نگرش‌ها از مقوله‌های دنیای مطلوب افرادند که بسیار سخت و انعطاف ناپذیرند (Glasser, 2013)، از سوی دیگر عواملی مانند اطلاعات فردی، جامعه و کلان اجتماعی - اقتصادی و عوامل خانوادگی هر یک می‌تواند ادراک و پذیرش فرد در تغییر نگرش به ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد که هر یک می‌تواند باعث شود تأثیر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب برای تغییر نگرش افراد معنادار نشود.

در ادامه به برخی از محدودیت‌های پژوهش اشاره می‌شود. اولین محدودیت کمبود زمان برای تشکیل جلسات برای تمرکز بیشتر و بهتر بر مفاهیم تئوری انتخاب بود.

روابط دلبستگی فعلی فرد که با مدل کنونی و اصلی دلبستگی‌اش متناقض باشد، منجر به تغییر در پاسخ‌ها و مدل‌های دلبستگی فعلی می‌شود. از نظر Collins & Read, 1990 این تجربیات عاطفی جدید می‌توانند ترس‌ها و سوگیری‌های قبلی فرد را زیر سؤال برده و به مدل‌های جدید اجازه دهند تا ایجاد شده و گسترش پیدا کرده و در نهایت توانایی شکل‌گیری و ترکیب رفتارهای جدید را در اختیار فرد قرار دهند. به دنبال آموزه‌های تئوری انتخاب، در افراد با سبک دلبستگی اجتنابی که راهبردهای غیرفعال ارتباطی مانند دور شدن و فاصله گرفتن دارند، پاسخ‌های رفتاری جدید با الگوهای جدید شکل می‌گیرد؛ در نتیجه تکرار تجربیات اجتناب در روابط و فاصله‌گیری در ارتباطات نزدیک، کاهش یافته است. این افراد با آموختن تمرکز بیشتر بر خودشان و رفتارها و خواسته‌هایشان، نقش دیگران را در تغییرات عاطفی و هیجانی‌شان کمتر می‌نمایند و نگرش بدبینانه خود را کاهش دهند.

نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مفاهیم تئوری انتخاب در افزایش بعد نگرش خوش‌بینانه افراد با سبک دلبستگی اضطرابی مؤثر است. به صورت ناهمسو نتایج تحقیق (Nasri, 2017) نشان داد آموزش گروهی مبتنی بر تئوری انتخاب بر کاهش ملاک‌های خوش‌بینانه در دانشجویان دختر مجرد مؤثر بوده است. نتایج تحقیق (ShaefiZadeh, 2017) نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر کاهش نگرش خوش‌بینانه تأثیر معناداری نداشته است. (vakili et al. 2015) نیز به این نتیجه رسید که بین سبک دلبستگی اضطرابی با نگرش به ازدواج رابطه معناداری وجود ندارد.

افزایش نگرش خوش‌بینانه افراد با سبک دلبستگی اضطرابی و عدم تغییر نگرش بدبینانه این افراد را اینگونه می‌توان تبیین نمود که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی اطمینان ندارند که ارزش عشق ورزیدن داشته و مورد حمایت دیگرانند. آنها به صورت مداوم در تردید و هراس، گوش‌به‌زنگی و بدگمانی و در جستجوی اطمینان‌بخشی‌اند؛ در نتیجه نظام دلبستگی فعال و همواره در حال تهدید دارند. از نظر (Johnson, Makinen & Millikin, 2001) تقویت این حس امنیت در فرد مضطرب بسیار دشوار است؛ زیرا هرگاه

- Styles and Family Atmosphere in Single Female Students of Razi University of Kermanshah. Master Thesis. Ministry of Science of Razi University- Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian].
- Azarbayjani, M., Salarifar, M.R., Abasi, A., Kaviani, M., Mousavi Asel, S.M. (2004). Social psychology with an attitude towards Islamic sources. Tehran. SAMT . [Persian].
- Azad Falah, P., Pour Mohammad Reza Tajrishi, M., Bigdeli, A., & Modarressi, S. M. (2009). Practical and executive solutions to solve the gap between puberty and marriage: Identifying barriers to marriage and ways to facilitate it. The first national family research festival. Tehran. Shahid Beheshti University
- Banaji, Mahzarin R., & Heiphetz, Larisa. (2010). Attitudes. 348-388
https://sites.fas.harvard.edu/~mrbworks/articles/2010_attitudes.pdf.
- Besharat M.A., JowshanLou M., Mirzamani Bafghi S.M. (2008). The relationship between attachment styles and perfectionism. Journal of Daneshvar Behavior of Shahed University. 14 (25), 11- 19. [Persian].
- Beheshtian, M. (2016). Copmative study of Marriage Criteria (social, cultural, economic, physical and demographic) of couples on the verge of second marriage with their criteria in the first marriage. Journal of Culteral soociaty, Scientific Research. Sociology of culture. 7(2), 21-2. . [Persian].
- Braaten, Ellen B., & Rosén, Lee A. (1998). Development and Validation of the Marital Attitude Scale. Journal of Divorce & Remarriage 29(3-4), 83-91.
- Brateen, T.B., & Rosen, L.A. (1998). Development and validation of the marital attitude scale. Journal of Divorce and Remarriage, 29(2), 83-91.
- Camp, Paul, & Ganong, Lawrence H. (1997). Locus of Control and Marital Satisfaction in Long-Term Marriages. Families in society: the journal of contemporary human 78(6), 624-631.
- Carrol, Jason S., & Doherty, William J. (2003). Evaluating the Effectiveness of Premarital Education: A Review of Outcome Research. Family Relations, 52(2). 105-118.
- محدودیت دیگر عدم هم‌تاسازی آزمودنی‌ها از نظر سنی بود. محدودیت بعدی، کمبود پیشینه و ادبیات پژوهش کافی در زمینه تئوری انتخاب و واقعیت‌درمانی بر نگرش به ازدواج، چه در ایران و چه در خارج از کشور بود که باعث محدودیت در تبیین و تدوین یافته‌ها و مقایسه با نتایج دیگر شد؛ هرچند از منظر دیگر شاید نقطه‌قوت این پژوهش نیز بود.
- پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابه دیگری با گروه‌های بزرگتر و با تعداد جلسات بیشتر و تمرکز دقیق‌تر بر مفاهیم تئوری انتخاب مجدداً انجام شود. همچنین به دلیل اهمیت متغیر نگرش‌های ناکارآمد در انتخاب همسر و ازدواج، اثربخشی رویکردهای دیگر در تغییر این نگرش‌های ناکارآمد و مخرب بررسی و با رویکرد تئوری انتخاب مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تأثیر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر سایر حیطه‌های مربوط به ازدواج و زوج‌درمانی مانند سازگاری و بخشش و روابط فرازناشویی و تأثیرگذاری این شیوه بر گروه‌های دیگر بررسی شود.
- سپاسگزاری:** پژوهشگران خود را موظف می‌دانند از تمام افرادی که در این کار علمی همکاری نموده و در جلسات آموزشی شرکت کردند قدردانی و تشکر نمایند.

منابع

- Adamczyk, Katarzyna, & Bookwala, Jamila. (2013). Adult Attachment and Single vs. Partnered Relationship Status in Polish University Students. Psihologijske teme, 22(3), 481-500.
- Afshari Nia, K. (2014). The Role of attachment styles and early maladaptive schemas in predicting the criteria for choosing female students. Journal of Consulting Research. 13(50), 28-1. [Persian].
- Ahmadnia, S. T. (2014). The effectiveness of reality-based group couple therapy on increasing marital intimacy and psychological security of couples, Ministry of Science, Research and Technology - Ferdowsi University of Mashhad - Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian].
- Amoto, Paul R., & Rogers, Stacy J. (1999). Do attitudes toward divorce affect marital quality? Family Issues, 20, 69-86.
- Ashteh, K. (2015). Predicting Attitudes toward Marriage through Personality Traits, Attachment

- Cherlin, Andrew J., Burton, Linda M., Hurt, Tera R. & Purvin, Diane M. (2004). The Influence of Physical and Sexual Abuse on Marriage and Cohabitation. *American Sociological Review*, 69(6), 768-789.
- Collins, Nancy L., & Read, Stephen J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Curry, G. (2012). Theory and application of counseling and psychotherapy. Translated by Seyed Mohammadi, Y. Tehran. Arasbaran. [Persian].
- Curry, G. (2015). Theory and application of group counseling. Translated by Zahrakar, K. et al. Tehran. Virayesh. [Persian].
- Feeney, Judith A., & Noller, Patricia. (1990). Attachment Style as a Predictor of Adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(2), 281-291.
- Glasser, W. (2013). The Theory of choice. translated by Sahebi, A. Tehran. Sayeh Sokhan. [Persian].
- Glasser, W. (2015). The Reality therapy. translated by Sahebi, A. Tehran. Sayeh Sokhan. [Persian].
- Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2011). Family Therapy. Translated by Hosseinshahi Bervati, H., Naqshbandi, S. & Arjmand, E. Tehran. Ravan. [Persian].
- Gubernskaya, Zoya. (2010). Changing Attitudes Toward Marriage and Children in Six Countries. *Sociological Perspectives*, 53(2), 179-200.
- Harvey, M. (2009). Comprehensive book on couple therapy. Translated by Akhavi, Z., Rahimi, A. A. & Ahmadi, KH. Tehran. Danjeh. [Persian].
- Hasheminejad, Z. (2017). The effectiveness of group theory selection theory on moral intelligence, source of control and communication skills of junior high school girls. Master of thesis of AlZahra University. [Persian].
- Hazan, Cindy, & Shaver, Phillip. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- Hosseini Ghaffari, F. Ghanbari Hashemabadi, B. & Aghamohammadian Sharabaf, H.R. (2008). Comparison of the effectiveness of group psychotherapy based on the theory of selection and systematic motivational therapy in increasing marital satisfaction. *Journal of Educational and Psychological Studies*, 9(20), 65-78. . [Persian].
- Irvine, Jeff. (2015). Enacting Glasser's (1998) Choice Theory in a grade 3 classroom: a case study. *Journal of Case Studies in Education*, 7, 1-14.
- Johnson, S.M., Makinen, J. A., & Millikin, J. W. (2001). Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couples therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 145-155.
- Johnson, V. Ida, (2009). The Effects of Intimate Relationship Education on Relationship Optimism and Attitudes toward Marriage. Thesis of Doctorate of Education. University of Montana. Missoula.
- Johnson, S., Weifen, V. (2009). Attachment processes. Translated by Bahrami et al. [Persian].
- Karimi, S. (2017). The effectiveness of counseling with emphasis on choice theory in reducing emotional divorce and improving attitudes toward infidelity. Master of thesis of Shahid Chamran University of Ahvaz. [Persian].
- Karimi, Y. (2001). Social psychology (theories, concepts and applications). Tehran. Arasbaran. [Persian].
- Khakpour, S. (2016). Investigating the Relationship between Attachment Styles, Personality Factors and Positive Attitudes Toward Unfaithfulness in Ferdowsi University of Mashhad Students. Ministry of Science, Research, and Technology - Ferdowsi University of Mashhad - Faculty of Psychology and Educational Sciences. [Persian].
- Knutson, Luke, & Olson, David H. (2013). Effectiveness of PREPARE Program with Premarital Couples in Community Settings. *Marriage & Family: A Christian Journal*, 6(4), 529-546.
- Larson, Jeffry H., Benson, Mark J., & Wilson, Stephan M. (1998). Family of Origin Influences on Marital Attitudes and Readiness for Marriage in Late Adolescents. *Journal of Family Issues*, 19(6), 750-768.
- Lazinski, Marysia Joanna. (2016). Young Peoples Feelings about and Attitudes towards Marriage: The Influence of Attachment Style and Family

- Function (Doctoral Thesis), University of Victoria.
- Mikolincer, Marino, & Shaver, Phillip R. (2007). Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change. New York: The Guilford Press.
- Miles, Nathan J., & Servaty-Seib, Heather L. (2010). Parental Marital Status and Young Adult Offspring's Attitudes About Marriage and Divorce. *Journal of Divorce & Remarriage* 51(4), 209-220.
- Moats, Marie-Michelle. (2004). The Effects of Parental Marriage, Divorce and Conflict on College Students' Attitudes Toward Marriage and Divorce. (Master of Science).
- Mottern, Ron. (2008). Choice Theory as a Model of Adult Development. *International Journal of Reality Therapy*, XXVII(2), 35-39.
- Najimi Goshtasb, O. (2011). A comparative study of gender role with attitudes toward marriage based on Bam gender schema theory among male and female students of Hormozgan University. master of thesis of Hormozgan University. [Persian].
- Nantz, Derrick P. (2015). Exposing The Roots of External Control Psychology: altruism As Moral Compulsion international journal of choice theory and reality therapy XXXIV(2), 24-35
- Nasri, F. (2017). Development of group training based on selection theory and determining its effectiveness on the separation of marriage properties in single students of Khatam University. Master of thesis of Khatam University. [Persian].
- Niyakan, f. (2015). The effect of premarital education on students' marital expectations and attitudes on the eve of marriage in Shiraz. Master of thesis of Islamic Azad MarvDasht University. [Persian].
- Niazi, M. , Shaterian, M. & Shafaei Moghaddam, E. (2015). The role of social, cultural and economic factors affecting the negative attitude towards marriage (Case study of Kashan citizens). *Journal of Cultural Sociology*. 6(2), 27-58. [Persian].
- Nilforoshan, P., Navidian, A. & Abedi, A. (2013). Investigating the psychometric properties of the Marriage Attitude Scale. *Journal of Psychiatric Nursing*. 1(1), 35-47. [Persian].
- Nouri, N. & Jan Bozorgi, M. (2012). The relationship between attachment styles and people's attitudes toward love and marriage values. *Journal of Behavioral Sciences*. 5(3). 225-233. [Persian].
- Nouri, N. (2009). Investigating the relationship between attachment styles and people's attitudes toward love and their effect on marriage criteria. Master of thesis of - Tarbiat Modares University. [Persian].
- Nouri, N. (2011). Investigating the relationship between attachment styles and people's attitudes toward love and their effect on marriage Values. *Journal of Behavioral Sciences*. 3(5), 225-233. [Persian].
- Pistole, M. Carole. (1989). Attachment in Adult Romantic Relationships: Style of Conflict Resolution and Relationship Satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6(4), 505-510.
- Poley, J. M. (2011). A Per-marriage Proposal: Getting Resdy for Marriage, an Adlerian Design. The Degree of Master of Art in Adlerian Counseling and Psychotherapy. Adler Graduate School.
- PourMarzDashty, R. (2016). Investigating the relationship between personality traits, attachment style and attitude towards love with emotional divorce. Master Thesis, Tarbiat Modares University. Tehran. . [Persian].
- Qarakhani, H. (2017) Investigating the relationship between attachment styles and hope with expectation of marriage among students of Payame Noor University in Mako. Master of thesis Islamic Azad University of Mako . [Persian].
- Rajabi, A. (2007). marriage age; Increasing factors and strategies to reduce it. *Journal of Knowledge* (112), 143-154. [Persian].
- Rahimian Bogar, I. (2005). Relationship between job satisfaction, job stress, work orientation and work involvement with different styles of adult attachment and nurses in public hospitals in Isfahan. Master Thesis. University of Isfahan - Faculty of Psychology and Educational Sciences - [Persian].
- Rahimian Bogar. I ,Nouri, A., Orizi, H. A., Molavi, H. , Foroughi Mobarakeh, A. (2007). Relationship between Adult Attachment Styles with Job Satisfaction and Job Stress in Nurses. *Iranian Journal of Psychiatry*. 13 (2): 148-157. [Persian].
- Raeesi, Z. (2017). The effectiveness of reality therapy on sexual self-esteem and marital commitment in married women in Isfahan. Master of theseise. Azad university of MarvDasht. [Persian].

- Saberi, M. (2014). The effect of premarital education on changing the attitude of marriage of Bandar Abbas Islamic Azad University students. Master thesis of Hormozgan University. [Persian].
- Sahebi, A. & Soltanifar, A. (2016). The step-by-step process of reality therapy: an invitation to accountability. Tehran. Sayeh Sokhan. [Persian].
- Sgrin, Chris, & Nabi, Robin L. (2002). Does Television Viewing Cultivate Unrealistic Expectations about Marriage. *Journal of Communication*, 52(2), 247-263.
- Show, N., Lum, E. (2008) Treand in family attitudes and values in Hong Kong. Final Report Submitted. The University of Hong Kong.
- Shafizadeh, H. (2017). The effectiveness of symbiosis premarital education on differentiation, attitudes and marital expectations among single girls at Hormozgan University. Master thesis of Hormozgan University. [Persian].
- Shoaa Kazemi M. , Jafari Harandi M. (2009) Comparative Study of Attitudes of Single and Married Students Towards Marriage from the Perspective of Glasser Reality Therapy. *Jornal of Social research*. 2(4). 111-128 . [Persian].
- Simpson, Jeffry A. (1990). Influence of Attachment Styles on Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(5), 971-980
- Steinberg, Sara J., Davila, Joanne, & Fincham, Frank. (2006). Adolescent Marital Expectations and Romantic Experiences: Associations With Perceptions About Parental onflict and Adolescent Attachment Security. *Youth and Adolescence*, 35(3), 333-348.
- Tahmasebi, J. (2017). Evaluation of the effectiveness of premarital counseling in attitudes toward marriage and attitudes toward youth love. Master of thesis Islamic Azad University of Marvdasht. [Persian].
- Thornton, Arland. (1991). Influence of marital history of parents on the marital and cohabitation experiences of children. *American Journal of Sociology*, 96(6), 868-894.
- Treas, Judith, Lui, Jonathan, & Gubernskaya, Zoya. (2014). Attitudes on marriage and new relationships: Cross-national evidence on the deinstitutionalization of marriage. 30(54), 1495-1526.
- Trent, Katherine., & South, Scott J. (1992). Sociodemographic status, parental background childhood family structure, and attitudes towards family formation. *Journal of Marriage and the Family*, 54, 427-439.
- Vakili, P., Nouri Ghasemabadi, R. & Hosseinpour Langroudi, F. (2014) Investigating the Relationship between Attachment Styles and Attitudes Toward Marriage in Single Undergraduate Students of Tehran University. *Journal of Educational Management Research*. 3(5), 147-161. [Persian].
- Willoughby, Brian J., Carroll, Jason S., Vitas, Jennifer M., & Hill, Lauren M. (2011). "When Are You Getting Married?" The Intergenerational Transmission of Attitudes Regarding Marital Timing and Marital Importance. *Journal of Family Issues*, 33(2), 223-245.